

Subject: The Strategic Blind Spot—Ignoring Human Rights in Iran

April 18, 2026

Mr. President,

I will speak plainly.

The continued fixation on Iran's nuclear program—while largely ignoring the regime's ongoing crimes against its own people—is no longer just incomplete policy. It is a strategic and moral blind spot.

In American discourse, Iran is reduced to one question: nuclear capability. Yet while this debate dominates headlines, a far more immediate reality is unfolding.

The Iranian regime is intensifying its repression.

Independent reports and international observers describe mass arrests, executions, and a nationwide crackdown designed to silence dissent. A prolonged internet blackout has cut millions off from the world—effectively hiding the scale of internal violence.

Human rights organizations and UN investigations warn of systematic repression, including lethal force against protesters, arbitrary detention, and violations that may rise to the level of crimes against humanity.

Even by official counts, executions have surged dramatically, reaching levels not seen in decades.

This is not background noise. This is the central reality.

And yet, when the regime takes a tactical step that aligns with short-term international interests, it is acknowledged—even appreciated.

This contradiction is not just troubling—it is dangerous.

It signals to the regime that internal brutality carries no strategic cost. It tells the Iranian people that their suffering is secondary. And it ensures that American policy continues to address symptoms rather than causes.

Because the cause is structural.

The Constitution of the Islamic Republic institutionalizes confrontation—both inward against its own citizens and outward toward the international system. Repression at home and hostility abroad are not separate policies; they are expressions of the same governing framework.

This is why agreements fail. This is why crises repeat. And this is why focusing solely on nuclear capability guarantees an endless cycle with no resolution.

Mr. President, a free Iran is not a threat to the United States—it is a historic opportunity.

A government in Iran that derives its legitimacy from its people, rather than coercion, would naturally move toward stability, cooperation, and long-term partnership. Such an Iran would not merely be another ally—it could become one of the most reliable partners the United States has in the world.

If the United States clearly objects to the current Constitution of the Islamic Republic, it will stand in alignment with Iranian scholars and the many calls for a Constituent Assembly. And if the Iranian people succeed in reshaping their constitution through such a process, America would gain an ally whose alignment is rooted not in temporary interests, but in shared principles.

Continuing to ignore this reality is not strategic patience. It is strategic delay.

History will not judge this moment by how firmly pressure was applied—but by whether it was directed at the true source of the problem.

Respectfully,

Sohrab ChamanAra www.CyrusForce.org

ترجمه فارسی

موضوع: نقطه کور راهبردی — نادیده گرفتن حقوق بشر در ایران

هجدهم آوریل 2026

آقای رئیس‌جمهور،

اجازه دهید صریح صحبت کنم.

تمرکز مداوم بر برنامه هسته‌ای ایران — در حالی که جنایات مستمر رژیم علیه مردم خود نادیده گرفته می‌شود — دیگر صرفاً یک سیاست ناقص نیست؛ بلکه یک نقطه کور راهبردی و اخلاقی است.

در گفت‌وگو با آمریکا، ایران به یک موضوع تقلیل یافته است: توانایی هسته‌ای. اما در حالی که این بحث تیتراژ اخبار را پر کرده، واقعیتی بسیار فوری تر در جریان است.

رژیم ایران در حال تشدید سرکوب است.

گزارش‌های مستقل و نهادهای بین‌المللی از بازداشت‌های گسترده، اعدام‌ها و سرکوب سراسری برای خاموش کردن اعتراضات خبر می‌دهند. قطع طولانی مدت اینترنت، میلیون‌ها نفر را از جهان خارج جدا کرده و عملاً ابعاد خشونت داخلی را پنهان ساخته است.

سازمان‌های حقوق بشری و تحقیقات سازمان ملل از سرکوب سیستماتیک، استفاده از نیروی مرگبار علیه معترضان، بازداشت‌های خودسرانه و نقض‌هایی که می‌تواند به سطح جنایت علیه بشریت برسد، هشدار داده‌اند.

حتی بر اساس آمار رسمی، میزان اعدام‌ها به بالاترین سطح در دهه‌های اخیر رسیده است.

اینها حاشیه نیستند — اینها واقعیت اصلی هستند.

با این حال، زمانی که رژیم اقدامی تاکتیکی در راستای منافع کوتاه مدت بین‌المللی انجام می‌دهد، مورد قدردانی قرار می‌گیرد.

این تناقض فقط نگران‌کننده نیست — خطرناک است.

این پیام را به رژیم می‌دهد که سرکوب داخلی هزینه راهبردی ندارد. به مردم ایران می‌گوید که رنج آنان در اولویت نیست. و تضمین می‌کند که سیاست آمریکا همچنان به جای علت، با معلول‌ها برخورد کند.

زیرا علت، ساختاری است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی تقابل را نهادینه کرده است — هم در داخل علیه شهروندان خود و هم در خارج در برابر نظام بین‌الملل. سرکوب داخلی و خصومت خارجی دو سیاست جداگانه نیستند؛ بلکه جلوه‌های یک چارچوب حکمرانی واحد هستند.

به همین دلیل است که توافق‌ها شکست می‌خورند. بحران‌ها تکرار می‌شوند. و تمرکز صرف بر مسئله هسته‌ای، چرخه‌ای بی پایان را تضمین می‌کند.

آقای رئیس‌جمهور، ایران آزاد تهدیدی برای ایالات متحده نیست — بلکه یک فرصت تاریخی است.

حکومتی در ایران که مشروعیت خود را از مردم بگیرد، نه از اجبار، به طور طبیعی به سمت ثبات، همکاری و شراکت بلند مدت حرکت خواهد کرد. چنین ایرانی نه تنها یک متحد، بلکه می‌تواند به یکی از قابل اعتمادترین شرکای ایالات متحده در جهان تبدیل شود.

اگر ایالات متحده به طور صریح با قانون اساسی کنونی جمهوری اسلامی مخالفت کند، در کنار اندیشمندان ایرانی و درخواست‌های گسترده برای تشکیل مجلس مؤسسان قرار خواهد گرفت. و اگر مردم ایران بتوانند از طریق این فرآیند قانون اساسی خود را بازسازی کنند، آمریکا متحدی به دست خواهد آورد که همسویی آن نه بر پایه منافع موقت، بلکه بر اساس اصول مشترک است.

نادیده گرفتن این واقعیت، صبر راهبردی نیست — بلکه تأخیر راهبردی است.

تاریخ این لحظه را نه با میزان فشار، بلکه با جهت‌گیری آن به سوی ریشه اصلی مشکل قضاوت خواهد کرد.

با احترام،

سهراب چمن‌آرا